

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن:۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۱ • ۹ رجب ۱۴۴۴ • ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۸۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۷:۴۹
اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۵

شترق

سریال شهزاد فصل اول- حسن فتحي - ۱۳۹۴

بزرگ آقا (علی نصیریان):

سقف خونه که میاد پایین، رو سر همه خراب می‌شه

دیگه نمی‌برسه کی کاره‌ای بوده؟

کی کاری نکرده!

دیالوگ روز

هنرخوانی

رائفی پور باید از اهالی موسیقی عذرخواهی کند

دبیر هنری سی‌وهشتمین جشنواره موسیقی فجر در آستانه برگزاری این جشنواره اقدام به بازنشر ویدئویی قدیمی از اظهارات علی اکبر رائفی پور، حاوی الفاظی ناهنجار و رکیک درباره هنرمندان موسیقی پرداخته و ادامه همکاری با جشنواره را به عذرخواهی رسمی او از اهالی موسیقی منوط دانست؛ در پی انتشار این ویدئو در فضای مجازی با محتوای «توهین به هنرمندان حوزه موسیقی» که با واکنش برخی دیگر از اهالی موسیقی از جمله نامه سه عضو شورای هنری ارکستر ملی ایران خطاب به وزیر فرهنگ همراه بود، محمدمهدی اسماعیلی دستور پیگیری ویژه را دربار به‌صادر کرد. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از انتشار این محتوای ویدئویی با ابراز تأسف درخصوص انتشار چنین ویدئویی درباره هنرمندان موسیقی کشور، با تأکید بر اینکه وزارت فرهنگ هیچ توهینی را به جامعه هنری نجیب ایران برنمی‌تابد، خطاب به اداره کل حقوقی این وزارتخانه دستور پیگیری حقوقی و قضائی این مسئله را صادر کرد. در نامه سه عضو شورای هنری ارکستر ملی ایران خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به انتشار اظهارات علی اکبر رائفی پور درباره موسیقی در فضای مجازی، اعتراض شده است. در بخشی از نامه که سه عضو شورای هنری ارکستر ملی «بهزاد عبدی، امیر بکان و علی رحیمیان- آن را نوشته‌اند، آمده است: «اجتراما به عرض می‌رساند، چندی است که فردی معلوم الحال (رائفی پور)، در مجامع مختلف ازجمله دانشگاه‌ها، مساجد و غیره، نشست‌هایی با مضامین مشخص برگزار می‌کند و در مورد همه مسائل مبتلایه کشور، ازجمله سیاست داخلی، خارجی، اقتصاد، فرهنگ و هنر، رسانه، ادبیات، فیزیک نظری، شیمی آلی، سیاه‌چاله‌ها، مذاهب، مسائل اخراج‌زamani، متافیزیک و… و (همه‌چیزدان)، اظهار نظر می‌کند و در این جلسات با ادبیاتی نامتعارف و سخیف، اهالی علم و فرهنگ و هنر را هرازگاهی مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد. البته در صحبت‌های این‌گونه افراد که ناشی از کم‌سوادی و هیجانانگ درونی و حب و بغض و حسادت نسبت به فرهیختگان کشور، است، کاملا مشهود است و صداالله، عقده‌گشایی این فرد چندان برای اهل فن، مهم و قابل اعتنا نیست، ولی نفس بازگوکردن این قبیل سخنان در نشست‌ها با چه هدفی انجام می‌شود و این شخص از کدام مرجع و ماخذ پشتیبانی می‌گردد؟ این فرد در اظهاراتی (که کوبی مدت‌ها قبل در جلسه‌ای مطرح کرده که خب از عمق فاجعه نمی‌کاهد)، قاطبه اهل هنر و اختصاصا هنر موسیقی را با دایره واژگانی بسیار غیر اخلاقی، «هرزه» خطاب کرده است؛ و نیز در ادامه سخنان خود اقدام به تمسخر هنر موسیقی و موسیقی‌دانان نموده است؛ شورای هنری ارکستر ملی ایران بر حسب وظیفه خود در حفظ میراث شنیداری این سرزمین و حفظ شُئونات و کرامت هنرمندان شریف موسیقی کشور، این سخننان سخنیف و موهن را به‌شدت محکوم کرده و از وزیر محترم ارشاد و همچنین دیگر نهاد‌های صنفی همچون خانه هنرمندان، خانه موسیقی، انجمن موسیقی، دفتر موسیقی و همچنین نهادهای نظارتی قوه قضائیه، درخواست برخورد قاطع یا این شخص را که ازآزادانه اقدام به هتاکي به اهالی فرهنگ و علم و هنر می‌نماید، دارد. امید است با ورود و پیگیری وزیر محترم به این موضوع، مقدمات عذرخواهی رسمی و کتبی فرد مورد نظر از اهالی شریف و نجیب موسیقی مهیا گردد.»

البته رائفی‌پور به اندازه کافی در بیان اتهامات و کلمات زشت به افراد مختلف سابقه سیاه و بدی دارد. او در این سال‌ها به بازیگران، بازیکنان فوتبال و خانواده‌هایشان و اینک هنرمندان موسیقی الفاظ زشتی را نسبت داده است. هرچند دستگاه‌های مسئول با سعه صدر با او برخورد می‌کنند.

گفتارم را با دو خاطره و ارتباط آن با دو مفهوم و ارتباط این دو مفهوم با هم پیش می‌برم. با وجود اینکه من از استاد بسیار آموخته‌ام، اما هیچ‌گاه به‌طور مستقیم دانشجوی ایشان نبوده‌ام. آشنایی مستقیم من با آقای دکتر به سال ۷۶ بازمی‌گردد، سال اول قبولی کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبائی . می‌گویم مستقیم به این جهت که در دوره کارشناسی با کتاب‌ها و ایم ایشان آشنا بودم. اما از بد حادثه، دانشگاه برای ایشان درسی تعریف نکرده بود تا بتوانیم در کلاس درس نیز خوشه‌چین دانش استاد باشیم. سال ۷۲ از سوی استادم دکتر محمد مؤمن‌گاشسی که سال ۷۶ جلاي وطن کرد، برای دستیاری پژوهش به مؤسسه پژوهشی سپهر ایران که دکتر سیفالله سیفالهی مدیریت آن را بر عهده داشت، دعوت شدم. طرحی پژوهشی بود درباره استان ایلام که پیش از سفر من به ایلام نشستی توجیهی با دکتر مؤمن‌گاشسی، مرحوم دکتر عظیم رهین (که نازنینی بود و جامعه‌شناسی روستایی و سیاسی تدریس می‌کرد) و آقای دکتر شیخاوندی داشتم. از این خاطره یاد کردم برای دو نکته:

اول، آغاز آشنایی و ارتباطم با آقای دکتر که برای نخستین‌بار ایشان را می‌دیدم. در آن نشست هم دقت نظر و حوصله و آرامش و ممانت و نیز دیسپلین خاص رفتاری و گفتاری‌شان جلب توجه می‌کرد. دوم، عنوان مؤسسه «سپهر ایران» برای فعالیتی پژوهشی که از یک دغدغه اندیشیده‌شده و درونی‌شده و ارزشمند و تاریخی و متکی بر هویتی فرهنگی و تمدنی حکایت داشت. نامی که اندکی بعد توسط مدیر مؤسسه با مصلحت‌اندیشی به المیزان تغییر کرد. عنوانی که تفسیر المیزان را به خاطر می‌آورد و می‌توانست نام یک مؤسسه آموزشی دینی باشد. «سپهر ایران» پیشنهاد دکتر شیخاوندی به عنوان عضو مؤسس آن مؤسسه بود؛ مؤسسه‌ای که حضور همه ما در آنجا به درازا نکشید و رفته‌رفته تک‌تکمان طرف چند سال از آن جدا شدیم. اما ارتباط با دکتر، دیگر شکل گرفته بود و من به دلایل و بهانه‌های گوناگون و عمدتا در منزلشان در میدان انقلاب تهران، خدمتشان می‌رسیدم و هر بار چندین ساعت از سخنان و دغدغه‌های استاد بهره می‌بردم.

عنوان پیشنهادی «سپهران» «سپهر ایران» از آن جهت اهمیت بیشتری می‌باید که دکتر شیخاوندی را در جمع سلسله بزرگان آذری ایران‌زمین ببینم که در کنار حفظ هویت محلی و توجه به جایگاه آن در زندگی روزمره و نیز تعاملات فرهنگی محلی- ملی، هویت ایرانی و پاسداری از فرهنگ تمدنی ایران و تلاش برای حفظ و ارتقای ظرفیت آن را در کانون توجه فکری و اندیشه‌ورزی خود قرار دادند؛ جایگاهی که تلاوم نقش‌آفرینی و سهم ارزشمند آذری‌ها در اعتلای فرهنگ و تمدن ایران بوده و دکتر شیخاوندی از سلسله همین بزرگان است.

این دغدغه و دل‌نگرانی همیشه در مرکز توجه ایشان بوده است و خود را در فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی، تألیف و ترجمه و رفتار و منش و مواضع سیاسی و اجتماعی نشان داده است. سهمی که استاد در واژه‌سازی فارسی و بازنگری مفاهیم برای برابرنهاد انگلیسی و فرانسه داشته است با درنظرگرفتن دقت و وسوساوس و استدلال‌هایی که پشت هر واژه بیان می‌کنند، قابل تأمل است. اگر به نخستین «فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی» که ابتدا در سال ۵۰ و بعد سال ۵۶ توسط پژوهشگاه علوم انسانی منتشر شد، مراجعه کنید، از آقای دکتر دو کتاب تألیفی با عنوان «جامعه‌شناسی انحرافات، آسیب‌شناسی اجتماعی» و «جمعیت‌شناسی و برنامه‌ریزی آموزشی» و یک کتاب ترجمه با عنوان «جامعه‌شناسی پرورشی، بحران جهانی آموزش» به عنوان منابع واژه‌گزینی معادل لغات انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع حکایت از جایگاه و نقش تألیفی استاد طی آن سال‌ها و دهه‌های اخیر در زبان فارسی در حوزه علوم اجتماعی دارد. این دقت نظر، در حوزه آموزش و تربیت دانشجویان نیز دیده می‌شد. بارها می‌دیدم که ورقه دانشجویان



حسین نوری‌نیا

به بهانه نودمین سالروز تولد استاد دکتر داور شیخاوندی *

استادی از سلسله پاسداران فرهنگ ایران زمین

را از جهات گوناگون مانند پاکیزگی، نظم نوشتاری، زیبایی و انشا و املاي درست مورد دقت قرار می‌داد و به دانشجویانش آموزش می‌داد. اما به جرئت می‌توان گفت که آقای دکتر شیخاوندی این جایگاه را از دانشگاه نیافته است، چون هیچ‌گاه مانند دیگر استادان دانشگاهی جذب سیستم آموزشی نشد و حضورش در دانشگاه از نوعی دیگر بود. ولی به جرئت می‌توان گفت این جایگاه ناشی از ظرفیت‌ها و توان فکری و اثرگذاری علمی ایشان مبتنی بر علایق شخصی علمی و ملی و میهنی و کوشش در نشر دانش جامعه‌شناسی بوده است که ایشان را در شبکه اجتماعی اهل اندیشه اجتماعی نگه داشته و به جایگاه درخور ایفای نقش مؤثر رسانده است. این نیز ارزش حضور علمی و کار استاد را بیشتر می‌کند. حضور در انجمن جامعه‌شناسی ایران از آغازین روزهای شکل‌گیری آن در کنار مرحوم دکتر توسلی و مرحوم دکتر عبداللهی، حضور در جمع مؤسسان انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، از ثناب نزدیک با اهالی مطبوعات برای تحلیل مسائل اجتماعی ایران از طریق مصاحبه با انتشار دست‌نوشته و کمک و دستگیری از گرفتاران و نیز همراهی در امضای اعتراضی و پیش‌گرفتن مسئداتالی نه فقط در معنای سیاسی بلکه در معنای فرهنگی و ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی از این جمله است که آخرین آن امضای درخواست آزادی دکتر سعید مدنی بود که وقتی با ایشان تماس گرفتم و موضوع را گفتم، بدون اینکه بخوانند محتوای نامه را بخوانم و ببرسند چه کسانی امضا کرده‌اند، گفتند با آقای مدنی دوست و همکار هستم، اسم مرا بنویسید.

اینجا نقی بزمن به منش و روحیه صلح‌جوی آقای دکتر که ریشه در پیوند عمیق روحی و معرفتی ایشان با فرهنگ ایرانی «فکثار نیک، بنیاد نیک و کردار نیک» و احیانا تجربه زندگی در دنیای آزاد دارد که اساس آن مهروزی و کنش خشونت‌پرهیز است و این در رفتار ایشان و در مناسبات اجتماعی‌شان و نیز در اندیشه‌شان به خوبی تبلور داشته است.

سال ۸۲ در یکی از نوبت‌هایی که خدمتشان رسیدم، زمانی بود که دربارهٔ مدرس و موازنهٔ عمی او که محور آن نفی خشونت و نفی سلطه‌گری است، و بردن این ایده از حوزه سیاسی به حوزه اجتماعی فکر می‌کردم، و برای آقای دکتر گفتم. ایشان ضمن صحبت، از کتاب «زبان و ادبیات فارسی» دوره پیش‌دانشگاهی شعر ایرج میرزا را برایم خواندند که با این مطلع شروع می‌شود: داد معشوقه به عاشق بیغام/ که کند مادر تو با من جنک. در ادامه جوان عاشق با شنیدن سخنان و پیشنهاد معشوقه و ناراحتی از مادر و برای وصال، سینه‌سدمادر را می‌درد و قلب او درمی‌آورد و هنگام بازگشت نزد معشوقه، زمین می‌خورد و قلب مادر از خراشیدن دست و پای فرزند به آه می‌آید. آقای دکتر با شور و حرارتی که کمتر دیده بودم، گفتند این یک متن درسی نظام آموزشی ما با یک پشتوانه عمیق فرهنگی در اشعار عاشقانه است که می‌خواهد مهر مادری را یادآوری کند، ولی به بدترین شیوه خشونت‌ورزی به مادر و با انتخاب واژه‌های مستهجن. آن‌هم در فرهنگی که مادر در آن جایگاهی ویژه دارد و اشعار بسیار زیبایی دربارهٔ مادر و مهر مادری در آن روده شده است.

دکتر شیخاوندی این دو وجه را در هم تنیده داشته است؛ هم نسبت به فرهنگ ایرانی تعلق و آگاهی عمیق دارد و هم شی روش روادارانه را در پیش گرفته است. نمی‌توان به فرهنگ دیرین و غنی ایرانی تکیه داد و کنش ابتدالی و روادارانه را در پیش نگرفت. این دو، روی یک سکه‌اند. نمی‌توان از فردوسی و مولوی و حافظ و سعدی گفت و منشی و منش مهرورزانه در پیش گرفت و با هستی، جامعه و آدمیان ناسازگاری داشت و سلاح ناپدید دیگران به کمربست و از مسیر داد و دهش خارج شد، که به قول حکیم فردوسی «فردیون فرخ فرشته نبود، ز مشک و ز عنبر سرشته نبود» به داد و دهش یافت آن نیگوی/ تو داد و دهش کن فردیون تویی.

✦ **متن سخنرانی ام در عصر شب‌های مجله بخارا، به مناسبت دیدار با دکتر داور شیخاوندی**

خبرخوانی

گذر از امتحان با هوش مصنوعی

دیجیاتو: شرکت اپن ال با عرضه ChatGPT نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند چه قابلیت‌هایی داشته باشد. این چت‌بات در مدت نه‌چندان طولانی که از عرضه آن می‌گذرد، در امتحان‌های مختلف نمره قبولی به‌دست آورده و حتی مقاله نوشته است. به گزارش اینسایدر، این هوش مصنوعی هر هفته به‌تحتوی ما را شگفت‌زده می‌کند. این برنامه تاکنون در چندین آزمون دانشگاهی شرکت کرده و آنها را با موفقیت پشت سر گذاشته است. همچنین برخی دانشجویان از این ابزار برای نوشتن مقالات خود استفاده کرده‌اند. محققان چندی پیش از این هوش مصنوعی خواستند تا در آزمون گواهی پزشکی ایالات متحده شرکت کند و نتایج این آزمایش را در مقاله‌ای که نام خود این هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از نویسندگان آن ثبت شده بود، منتشر کردند. این آزمون سه بخش دارد که پزشکان آینده در دوره‌ای میان دانشکده پزشکی و رزیدنسی آن را پشت سر می‌گذارند. پژوهشگران می‌گویند هوش مصنوعی بدون پشت‌سر گذاشتن آموزش‌های تخصصی، در هر سه آزمون نمره قبولی با نزدیک به قبولی دریافت کرد؛ البته این مساله هنوز به همتادآوری نرسیده است. همچنین این هوش مصنوعی در چهار دوره دانشکده حقوق دانشگاه مینه‌سوتا نیز موفق ظاهر شد. این چت‌بات بیش از ۹۵ سؤال چندگزین‌ه‌ای و ۱۲ سؤال تشریحی را جواب داد و اگرچه نمره چندان بالایی نگرفت اما می‌توانست این دوره‌ها را پاس کند. محققان همچنین می‌گویند که این هوش مصنوعی دانش کافی برای کسب مدرک دکترای حرفه‌ای از یک دانشکده حقوق را دارد. این هوش مصنوعی همچنین اخیرا توانسته بود از آزمون «ام‌بی‌ا» دانشکده ارتون دانشگاه پنسیلوانیا نمره قبولی بگیرد. علاوه‌براین، مدت زیادی از انتشار این هوش مصنوعی نگذشته بود که دانشجویان شروع به استفاده از آن برای نوشتن مقالات خود کردند.



✦ **زلزله شهرستان خوی در عمق ۷کیلومتری زمین به وقوع پیوست.** زمین‌لرزه در مناطق زیادی از استان به ویژه شهر ارومیه احساس و باعث نگرانی مردم شد. عکس: مینا‌نوعی /مهر

گزارش خوانی

پر حرفی، یک اعتیاد است

«دن لیون»، که خود را معتاد به زیاده‌گویی می‌داند، در مقاله‌ای در هفته‌نامه تایم از تلاشش برای درک سختی ساکت‌بودن برای برخی از افراد نوشته است. او به دنبال این بوده تابداند چرا سکوت‌کردن برای بسیاری کار سختی است. او در گزارشی که در آخرین شماره تایم منتشر کرده، به جزئیات این اجبار پرداخته است. البته در این شماره خاص هفته‌نامه تایم درباره مسائل مختلف ازجمله تأثیر اینفلونسرها گزارش‌های جامعی تهیه شده و تیر روی جلد آن - ساکت باش - درواقع عتاب به آنان است.

آدم‌های حرف

در ابتدای مقاله «هرچه کمتر حرف بزنی، بیشتر گیرت می‌آید» آمده است: «دنیا پر از وراجان است، شما همیشه با آنها برخورد می‌کنید. آنها آفت‌های ادارات هستند، کسانی که در آغاز هفته با بازگوکردن کارهای غیرقابل توجه‌شان در تعطیلات، روزتان را نابود می‌کنند. آنها همان آدم‌هایی هستند که در میهمانی شام با دیگران صحبت می‌کنند؛ درحالی‌که بقیه برای خفه‌کردن‌شان خیال‌پردازی می‌کنند. آنها همسایه‌ای هستند که ناخوانده می‌آید و یک متهم به کلاهبرداری اوراق بهادار کرد. صادقانه بگویم، بیشتر ما از آنها هستیم و این اصلا تقصیر ما نیست. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که نه‌تنها تشویق به وراجی می‌کند؛ بلکه آن را می‌طلبد. جایی که موفقیت با میزان توجهی که جلب کرده‌ایم، سنجیده می‌شود. اگر یک میلیون فالوئر توییتر به دست آوریم، اگر یک اینفلونسرر اینستاگرام شویم، اگر یک ویدئوی ویرال بسازیم، اگر یک سخنرانی در تد ارائه دهیم، ما هر روز غرق در توییوب، رسانه‌های اجتماعی و برنامه‌های چت شده‌ایم. آیا می‌دانستید بیش از دو میلیون یادگست وجود دارد که ۴۸ میلیون قسمت تولید کرده‌اند؟ یا اینکه بیش از سه هزار رویداد تانکس در هر سال برگزار می‌شود؟ یا اینکه آمریکایی‌ها سالانه در بیش از یک میلیارد جلسه می‌نشینند، که معتقدند نمی‌ از آنها اتلاف وقت کامل است؟ با این حال، بسیاری از قدرتمندترین و موفق‌ترین افراد دقیقا برعکس عمل می‌کنند. آنها به جای جلب توجه، از سخن‌گفتن خودداری می‌کنند و مراقب آنچه می‌گویند هستند. «تیم کوک»، مدیرعامل اپل، اجازه می‌دهد مک‌ت‌های ناخوشایند در طول مکالمات اتفاق بیفتد. برای چهار دهه، «جو بایدن» پادشاه کاف‌ها بود؛ اما اسرارجم در سال ۲۰۲۰ یاد گرفت که صدایش را پایین نگه دارد و پاسخ‌هایی کوتاه دهد، قبل از صحبت‌کردن مک‌ت کند و البته پاسخ‌های خسته‌کننده بدهد. حالا او رئیس‌جمهور است! «آلبرت اینشتین» فردی درون‌گرا بود که عاشق تنهایی بود. مرحوم «روث بادر گینزبرگ» کلمات خود را چنان با دقت انتخاب می‌کرد و آن قدر مک‌ت‌های طولانی داشت که کارمندانش آن را «قانون دو می‌سی‌سی‌بی» می‌نامیدند؛ آنچه را که می‌گویند تمام کنید و سپس بشمارید «یک می‌سی‌سی‌بی ... دو می‌سی‌سی‌بی ... او ... خلی ... عمیق ... در مورد چگونگی باساختن ادراک فکر می‌کرد. بسیاری از ما به ریاست دادگاه عالی منصوب نمی‌شویم یا میلیارد‌درهای فناوری نمی‌شویم؛ اما می‌توانیم در نبردهای روزمره خود پیروز شویم. نبردهایی برای خرید ماشین یا خانه جدید؛ از نردبان پیشرفت بالا برویم و در به دست آوردن دوستان و تأثیرگذاری بر مردم موفق شویم. اما ما قهرمانان حرف‌زدن و صحبت‌کردن هستیم! ما توضیح اضافه می‌دهیم، حرف دیگر را قطع می‌کنیم، و مونولوگ‌های طولانی ارائه می‌دهیم. برای من این یک مشکل شخصی است. من یک سخنگوی همیشگی هستم و این برایم گران تمام شده است. مسئله فقط این نیست که من زیاد حرف می‌زنم. مسئله این است که من هرگز نتوانستم در برابر بیان مطالب نامناسب مقاومت کنم و نمی‌توانم نظراتم را برای خودم نگه دارم.» نویسنده مقاله به تجربیاتش در زمینه زیاده‌گویی که سبب اخراج از کار و طلاق او شده اشاره می‌کند.

روایتی با دو پرش

«دن لیون» سعی کرده در این مقاله به دو سؤال پاسخ دهد؛ چرا برخی افراد مدام صحبت می‌کنند؟ چگونه می‌توانیم جلوی این حرف‌زدن مدام را بگیریم؟ این نویسنده در ادامه مطلبش می‌نویسد: «متوجه شدم که یک کلمه برای مشکل من وجود دارد: اعتیاد به صحبت‌کردن، اصطلاحی که از سوی یک زوج محقق مطالعات ارتباطی برای توصیف نوعی از صحبت افراطی ابداع شده است. آنها برای شناسایی افرادی‌که از این عارضه رنج می‌برند، یک پرسش‌نامه درست کردند. به گفته ویرجینیا پی ریچموند و جیمز سی مک کراسکی، محققان دانشگاه ویرجینیا غربی که این آزمایش را در سال ۱۹۹۳ توسعه داده‌اند، نکته نگران‌کننده‌ای وجود دارد. «آنان اعتیاد به صحبت‌کردن را «اعتیاد» واقعی می‌دانند و گفته‌اند: «تائوانی افراد در مهار حرف‌زدن می‌تواند منجر به مشکلات شخصی و حرفه‌ای شود». معتادها نمی‌توانند یک روز از خواب بیدار شوند و کمتر صحبت کنند. صحبت‌کردن برای آنها اجبار است. آنها فقط کمی بیشتر از بقیه صحبت نمی‌کنند؛ بلکه خیلی بیشتر از بقیه. این کار را انجام می‌دهند. آنها همیشه، در هر زمینه یا هر موقعیتی صحبت می‌کنند، حتی زمانی که می‌دانند دیگران آنها را زیاده‌گو می‌دانند نمی‌توانند جلوی سخن‌گفتن‌شان را بگیرند. حتی دچار ضربه روحی می‌شوند؛ معتادان به صحبت حتی زمانی که می‌دانند آنچه می‌خواهند بگویند به آنها صدمه می‌زند، باز هم به صحبت‌کردن ادامه می‌دهند. آنها به‌سادگی نمی‌توانند ساکت شوند. جست‌وجوی من برای پاسخ، من را به «مایکل بیتی» رساند، استادی که زمانی با «ریچموند» و «مک کراسکی» کار می‌کرد و اکنون در دانشگاه میامی تدریس می‌کند. «بیتی» ۲۰ سال پیش، آغازگر رشته‌ای به نام «بست‌شناسی اجتماعی» بود که ارتباطات را به‌عنوان یک پدیده بیولوژیکی مطالعه می‌کند. او به جای تدریس دروس روزنامه‌نگاری و سخنرانی عمومی، با دانشمندان علوم اعصاب همکاری کرد و امواج مغزی شرکت‌کنندگان را اندازه‌گیری کرد و نوار مغزی‌شان را هنگام تماشای تصاویر یا به صدهای ضبط‌شده مشاهده کرد. در آن زمان بسیاری از محققان ارتباطات فکر می‌کردند که او داخل یک کوچه بن‌بست است؛ اما بیتی مطمئن بود که راهش درست است. او معتقد بود: «اگر نحوه ارتباط ما به مغز مرتبط نباشد، عجیب است. در سال ۲۰۱۰، بیتی و همکارانش دریافتند که «پر حرفی یا عدم تعادل امواج مغزی مرتبط است.»

ترک عادت

دن لیون که پیش‌تر نیز کتابی در زمینه چگونگی ترک عادت حرفی نوشته است، در ادامه مقاله با اشاره به کتاب‌های سعی کرده راه‌هایی که می‌توان این عادت را کنترل کرد، مرور کند.